



دیوان نوا

غزلیات

شادروان سید کاظم غمامی

« نوا »

غمامی، سید کاظم ۱۲۷۶

دیوان نوا / تألیف سید کاظم غمامی - همدان - اسکاف ۱۳۸۴

شماره شابک: ۹-۱۵-۸۳۶۷-۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱ شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه شعر گزیده ادبیات معاصر

۱۳۸۴ ۹۲۶۷/۵-۸۳۰۵-PIR - ۷۳-۳ فا ۸

نام کتاب: دیوان نوا

مؤلف: سید کاظم غمامی

ناشر: اسکاف

چاپ اول: ۱۳۸۴

حروفچینی: انتشارات اسکاف

طرح روی جلد: پارسا گرافیک

تیراژ: ۳۰۰۰

لیتوگرافی: سایان

چاپ و صحافی: گیتی

شماره شابک: ۹-۱۵-۸۳۶۷-۹۶۴

قیمت ۱۰۰۰ تومان

با نام و یاد عزیز قدیم

هر چیز که از ما هستی می‌گیرد دور می‌شود از ما لاجرم، و چیزی دیگری می‌شود. اگر چه از هست ما، چیزی به هست او پیوسته است، و بعد به راه خودش می‌رود: راه‌های بسیط یا مرکب، و ما به راه خودمان می‌زوییم، در حالیکه گلویمان را می‌فشارد آنچه از ما کرانه گرفته است. عتاب ما تأثیری ندارد در او و دل آزرده‌گیمان خط و ربطش را مخدوش نمی‌کند. او آسمان خودش را یافته است و رنگهای زمینش را. پس پیوست می‌اندازد و از خودش عبور می‌کند، و ما به دنبال معنایی می‌گردیم، متقابلاً تا نفس تازه کنیم. تا در سفید بختی کاغذها، زندگی، یا رنگهای حوصله‌مان ژرفای خوشایندتری بگیرد.

به این ترتیب شعر مسحورمان می‌کند و کار ادامه خودش را پی می‌گیرد. مثل دست کشیدن به سطح باد های مهاجر در طول راه و سفر. مثل اتفاق مبارکی که در همین دفتر شعر افتاده است و چیزی بسیط و وفادار به ماندگاری سنتی که در جان شاعر به ریشه های آب می‌رسد. به دور از تکلفها و تعقیدها. بدور از اطناب و خشوی که لطمه می‌زند به صراحت شعر و گشاده روئی اش را کدر می‌کند.

با شعر غمامی (نوا) در می‌یابیم که آن سوی سرانجام، خاموشی نیست، چرا که او خودش را وانهاده بود تا خودش را پیدا کند. کاری سترک اما شدنی، کاری غرقه در نور، غرقه در مکاشفه های خوش انجام. پریدنی پرحوصله از

خاک بی آنکه عطر زمین در آستینت مانده باشد.

شعر نوا بی آنکه مدعی بدعتی باشد. شعری بسیط است، شعری ساده تر از خود اما لبریکته‌ی خرد عشق.

شاعر جایگاه چیزی را تغییر نمیدهد، هستی را به همانگونه که هست می‌بیند برای خوش آیند کسی به سمت دستکاری مفاهیم نمی‌رود. بلکه نزدیک می‌شود به حیطه‌ی لایه‌های پنهان حقیقت، با عاطفه‌ای خرسند و فراگیر و خردی که دلبسته‌ی تعلقی نیست، و دلی که رهاست.

زندگی خصوصی و اجتماعی شاعر، بیتوته‌ای میان تراکم حقیقت بود:

غابری ژرف نگر و بی مدعا که بر خاطر کسی غباری از او ننشست، اهل مراقبه بود. اهل مکاشفه. برای همین از سر هرچه بود پرید. سبک چون مراشی باد. و از این همه البته رد روشنی در آفاق شعر او باقی مانده است که راهنمایمان می‌کند. تا بدانیم که این شعرها به حق حاصل حشر و نشر او با مفاهیمی بلند است که پیوسته و آهسته او را به سمت حضوری کشانده است تا نازک ترین اندیشه را در انبان بیت‌هایی بریزد که دل آسوده مان می‌کند از فرسایش روزمرگی‌های روزگار.

از ویژگی‌های دیگر شعر (نوا) شنای مفرطی است که از نرمای واژه‌ها به ژرفای جان خواننده اگر چه گاه پوشیده می‌ماند، در لایه‌های اشارات و معانی، مثل انبساط یک حس، که از سر دل‌تنگی پریده باشد و پیراهنش را یادبان کرده باشد بسوی بیکرانگی.

برای همین شعر او را پنجره‌ای می‌بینم که از ضمیر لبه آن می‌توان به ترفیع
های روشنی پرید.

می‌توان دریافت که نوا به هیچ واحه‌ی سیزی در راهی که می‌رفت دل نبسته
بود. همچنانکه میان دوستان و اقوام با انصاف صبوری حضور می‌یافت. بی
اخم و بی تحکم، و شکر گزار هر آنچه از راه می‌رسید.

محبتش انگار جنسیتی دیگر داشت یا لااقل زمینی نبود، تکه‌هایی از خورشید
وصله شده بود به این مرد، تکه‌هایی از تصوف با عطری محجوب، تصوفی
بی ادعا و حاشیه؛ حاصل و ادامه آنچه از حشر و نشر با برادر بزرگتر،
مرحوم غمام همدانی، آموخته بود. تصوفی که از پرگوئی و تفاخر پرهیز
می‌کرد و با شرمی سر به زیر در زاویه غزلی می‌نشست، گاه بی آنکه چشم
به راه نگاهی باشد.

نوا هرگز در دوران حیاتش به چاپ و نشر شعرهایش دست نیازید. و اصرار
اطرافیان، تنها فروتنی‌اش را شرمگین می‌کرد، اگر چه این شعرها با عطر
عارفانه ماندگار، سفر به روشنائی‌هایی است که دغدغه‌های دل و دست،
آئینه دار طلعت آن است.

یا علی

آرش خسروی - نوروز ۸۴

برای دیدن رخسار اوست کوشش من

به وصف حُسن دلاویز اوست گفتارم

این مجموعه که محتوی ۱۴۷ غزل، یک قطعه، تعدادی دو بیتی و رباعی، و یک تک بیت برای سنگ قبر است اثر طبع سید کاظم غمامی متخلص به (نوا) همدانی خلف حضرت سید یوسف مجتهد همدانی متولد سیزدهی صفر سال ۱۳۱۵ هجری قمری مطابق ۱۲۷۶ هجری شمسی است که بخط خود نوشته‌ام.

به تاریخ شانزدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و دو شمسی

سید کاظم غمامی

۱۳۵۲/۹/۱۶

به یگانه پسرم یحیی غمامی به رسم یادگار هدیه می‌کنم

سید کاظم غمامی

۱۳۵۳/۱۰/۲۵